

Protecting Child Victims in the International Criminal Court

(Type of Paper: Research Article)

Mohammadhadi Zakerhossein*

Abstract

The International Criminal Court provides children with special protection. This article aims at delimiting the scope of such a protection in light of the law and jurisprudence of the Court. The Rome Statute affords children with legal protection by criminalizing those offences specifically committed against children, including child soldiering, and those crimes adversely affect children, including attacking schools. In practice, prosecuting crimes against children takes priority for the Court Prosecution. Moreover, child victims are procedurally supported by the Court. They have a right to participate in the Court's proceedings as both a witness and a victim. The Court lacks any jurisdiction over persons under 18, but their crimes committed after this age could be prosecuted. Nevertheless, their prior victimhood might be taken into account in determining their sentence as a mitigating factor.

Keywords

Age of Criminal Responsibility, Child Soldering, Participation in Proceedings, Thematic Prosecution.

* Assistant Professor, Criminal Law and Criminology Department, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran. Email: Mhzakerhossein@ut.ac.ir
Received: 9 March , 2020 - Accepted: June 21, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

حمایت از کودکان بزه‌دیده در دیوان کیفری بین‌المللی

(نوع مقاله: علمی _ پژوهشی)

محمدهادی ذاکر حسین*

چکیده

دیوان کیفری بین‌المللی از کودکان بزه‌دیده حمایت ویژه‌ای می‌کند. شناسایی دامنه این حمایت در پرتو قانون و رویه دیوان هدف این نوشتار است. اساسنامه رم با جرم‌انگاری برخی رفتارهای خاص علیه کودکان مانند استفاده از کودک سربازان در مخاصمات مسلحانه یا جرائمی که کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مانند هدف قرار دادن مدارس از حقوق و منافع کودکان حمایت ماهوی کرده است. در عمل نیز تعقیب جرائم علیه کودکان از اولویت‌های تعقیب دادستانی دیوان است. علاوه بر این، کودکان بزه‌دیده مورد حمایت‌های آیینی دیوان نیز هستند و در فرایند دادرسی دیوان هم به‌عنوان بزه‌دیده و هم به‌عنوان شاهد حق مشارکت دارند. مسئولیت کیفری کودکان زیر ۱۸ سال در نظام حقوقی دیوان به رسمیت شناخته نشده است، لیکن جرائم کودکان بعد از عبور از کودکی قابل تعقیب است؛ هرچند پیشینه بزه‌دیدگی ایشان در کودکی می‌تواند در تخفیف مجازات ایشان مؤثر باشد.

کلیدواژگان

تعقیب موضوعی؛ سن مسئولیت کیفری، کودک سربازی، مشارکت در دادرسی.

* استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: Mhzakerhossein@ut.ac.ir

مقدمه

کودکان^۱ بیش از سایر افراد اجتماع آسیب پذیرند (ICC, OTP, 2016: 25). این آسیب پذیری سبب شده است تا هم در نظام حقوق بشر و هم در نظام حقوق بشردوستانه مورد توجه و حمایت ویژه قرار بگیرند. بنابر بند ۲ ماده ۲۵ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» دوره کودکی مستحق و مقتضی مراقبت و توجه ویژه است. البته حمایت از کودکان محدود به زمان صلح نیست. در زمینه و زمانه جنگ و وقوع مخاصمات مسلحانه نیز نظام حقوق بشردوستانه رژیم حمایتی ویژه‌ای نسبت به کودکان مستقر کرده است.^۲ برای نمونه، بند ۱ ماده ۷۷ «پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو» مصوب ۱۹۷۷ میلادی با اعلام اینکه کودکان باید مورد احترام ویژه باشند، طرف‌های مخاصمه را ملزم به تأمین مراقبت و امداد مورد نیاز کودکان می‌سازد. البته این حمایت‌های ویژه علاوه بر حمایت‌های عامی است که نظام حقوق بشردوستانه نسبت به جمعیت غیرنظامی که شامل کودکان نیز می‌شود، اعمال می‌کند (Plattner, 1984: 141). در راستای حمایت از حقوق کودکان در زمان صلح و جنگ نظام عدالت کیفری بین‌المللی نیز روی به جانب جرم‌انگاری رفتارهای ناقض حقوق کودکان آورده است. در این نظام «دیوان کیفری بین‌المللی» (از این پس دیوان) توجه ویژه‌تری به مسئله کودکان کرده است. شاهد این مدعا اولین پرونده به فرجام رسیده در دیوان یعنی پرونده «توماس لوبانگا دیلو»^۳ است که دایره مدار حمایت از کودکان در زمان مخاصمه بود. شعبه اول دادرسی دیوان در مارس ۲۰۱۲ لوبانگا را به دلیل مشارکت در ارتکاب جرم جنگی استخدام و سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال در بخش نظامی «اتحادیه میهن‌دوستان کنگو»^۴ و همچنین به کارگیری ایشان در مخاصمات مسلحانه در منطقه ایتوری «جمهوری دموکراتیک کنگو» محکوم کرد. بر مبنای این محکومیت، در ژوئیه همان سال لوبانگا به ۱۴ سال حبس، با احتساب و کسر مدت بازداشت، محکوم شد (ICC, Trial Chamber I, 2012). آنچه در پرونده لوبانگا بیش و پیش از هر نکته‌ای جلب توجه کرد، انحصار اتهامات اقامه شده علیه وی به یک رفتار مجرمانه بود، یعنی جرم «کودک سربازی».^۵ این در حالی بود که در کنار کودک سربازی، جرائم و خشونت‌های جنسی نیز به صورت گسترده و سازمان‌یافته در منطقه ایتوری واقع شده بودند (Smeulers & Weedensteijn, 2015: 17). با این حال اولین دادستان دیوان، آقای «مورنو

۱. آن گونه که در ادامه خواهد آمد، این نوشتار واژگان کودک و طفل را به صورت مترادف و در معنایی همراه با یک آستانه سنی که در نظام حقوقی دیوان تعریف شده است، به کار می‌برد، یعنی افرادی که به ۱۸ سالگی نرسیده‌اند.
 ۲. برای مطالعه بیشتر درباره انواع و حدود حمایت از کودکان در نظام حقوق بشردوستانه بین‌المللی ر.ک: ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۱۳۱-۱۲۵.

3. Thomas Lubanga Dyilo.

4. Union of Congolese Patriots.

5. Child Soldiering.

او کامپو^۱، تصمیم گرفت تا از میان جرائم خونین جاری در جمهوری دموکراتیک کنگو تنها کودک سربازی را در تور تعقیب دادستانی شکار کند. این گزینش و انتخاب بیانگر منزلت حقوق کودکان در هندسه معرفتی دیوان بوده است که در ادامه حکایت می‌شود. حمایت دیوان از کودکان بزه‌دیده تنها محدود جامعه جرم پوشاندن بر رفتارهای منافی حقوق ایشان نیست بلکه کودکان بزه‌دیده مشمول حمایت‌های آیینی دیوان نیز هستند و می‌توانند به‌عنوان شاهد یا قربانی در فرایند دادرسی دیوان مشارکت جویند.

البته کودکان تنها قربانی نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیستند، بلکه خود نیز می‌توانند ناقض حق دیگران باشند. کودکان مجموعه‌ای از توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را دارا هستند (ICC, OTP, 2016: 22). از این رو ایشان در بستر بحران‌های مولد جرائم بین‌المللی هم می‌توانند در نقش بزه‌کار ظاهر شوند و هم بزه‌دیده. نظام حقوقی دیوان در هر دو وضعیت یعنی بزهکاری و بزه‌دیدگی سیاست ویژه‌ای نسبت به کودکان اتخاذ کرده است و بزه‌دیدگی ایشان را در فرض بزهکاری نیز نادیده نمی‌گیرد؛ سیاستی که در هر حال مبتنی بر حمایت از کودکان و بزه‌دیدگی ایشان است. برای بررسی ابعاد مختلف این سیاست این مقاله در گام نخست به سیاست‌های دیوان در قبال اطفال بزه‌دیده خواهد پرداخت و آنگاه مروری نسبت به تدابیر حمایتی دیوان از اطفال بزه‌دیده خواهد داشت.

بزه‌دیدگی کودکان

کودکان برخلاف بزرگسالان قادر به فائق آمدن بر آسیب‌های روانی ناشی از جنگ نیستند و بازاجتماعی کردن ایشان امر دشواری است (Cottier & Grignon, 2016: 520). از این رو اساسنامه رم در راستای حمایت از کودکان اقدام به مبارزه با رفتارهای آسیب‌رسان به ایشان از رهگذر جرم‌انگاری جرائم علیه کودکان پرداخته است. علاوه بر جرم‌انگاری برخی رفتارهای ناقض حقوق کودکان به‌مثابه شدیدترین جرائم بین‌المللی داخل در صلاحیت دیوان، اولویت بخشیدن به تعقیب جرائم علیه کودکان از سیاست‌های راهبردی دادستانی دیوان است (ICC, OTP, 2015: 19). این سیاست تعقیبی مبتنی بر نظریه «تعقیب موضوعی»^۲ است که براساس آن دادستان دیوان در مقام بیان و ترویج برخی آموزه‌ها و هنجارسازی در جامعه بین‌المللی است تا اهمیت کودکان و ضرورت حمایت کیفری از حقوق ایشان در بستر بحران‌ها را نشان دهد.^۳ جرائم واقع‌شده علیه کودکان را می‌توان در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد؛ جرائمی که به‌صورت خاص علیه کودکان واقع می‌شود و جرائم عامی که کودکان را بیش از دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد.

1. Moreno Ocampo.

2. Thematic Prosecution.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ذاکر حسین، ۱۳۹۷.

۱. جرائم خاص علیه کودکان

جرائم بین‌المللی «جرائم توده‌ای» هستند (بانتکاس، ۱۳۹۷: ۷)؛ بدان معنا که جمعیت و گروهی مورد هدف قرار می‌گیرند و گستره قربانیان گسترده است. بنابراین، تقریباً تمام جرائم بین‌المللی داخل در صلاحیت دیوان که نوعاً علیه جمعیت غیرنظامی واقع می‌شود، کودکان را متأثر می‌سازد. با این حال، برخی از این جرائم به صورت خاص علیه کودکان واقع می‌شوند. به بیان دیگر، کودکی در تحقق عنصر مادی این جرائم موضوعیت و خصوصیت دارد. بنابراین، تعیین مرز ورود و خروج از قلمرو کودکی در اینجا اهمیت دارد. همان‌طور که گفتیم، اساسنامه رم ۱۸ سالگی را به عنوان آستانه کودکی در نظر گرفته است. این سن نه تنها در بزهکاری اطفال صادق است، بلکه بر بزه‌دیدگی ایشان نیز حاکم است؛ جرائم علیه اطفال یعنی جرائم علیه کودکان زیر ۱۸ سال. با این حال در اینجا یک استثنای برجسته وجود دارد و آن کودک سربازی است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

۱.۱. نسل‌کشی^۱ از طریق انتقال اجباری کودکان

نسل‌کشی بنا بر ماده ۶ اساسنامه رم عبارت است از اقدامات معینی که با هدف نابودسازی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت می‌پذیرد. رفتارهای سازنده این جرم به نحو حصری در اساسنامه رم بیان شده است. یکی از این رفتارها که تنها علیه کودکان واقع می‌شود، عبارت است از «انتقال اجباری کودکان از گروه هدف به گروه دیگر». آنچه در اینجا موضوعیت دارد اجباری بودن انتقال کودکان است. این اجبار بنا بر قانون «عناصر جرائم»^۲ دیوان علاوه بر اجبار فیزیکی، شامل تهدید و ضربه روحی‌ای که منتهی به انتقال اجباری شود نیز می‌شود (ICTR, 1998: 508). در اینجا، مقصود از انتقال آن است که کودکان از گروه و منشأ اولیه خود جدا شوند و در گروه دیگر رشد و نمو یابند، با این هدف که هویت اولیه خود را از دست بدهند. البته انگیزه‌های مختلفی در ورای این رفتار می‌تواند وجود داشته باشد، مانند جداسازی کودکان از خانواده و قبیله اصلی خود و واردسازی ایشان به گروه‌های مسلح برای مشارکت در مخاصمات مسلحانه.^۳ «دیوان بین‌المللی دادگستری» انتقال اجباری کودکان را مصداق «نابودسازی» فیزیکی یک گروه می‌داند، چراکه موجب می‌شود گروه هدف دیگر قادر به بازسازی خود نباشد (ICJ, 2015: 136). برخی این قسم از نسل‌کشی را نزدیک به مفهوم

۱. برای ترجمان جرم «ژنوساید» در فارسی گزینه‌های مختلفی پیشنهاد شده است، مانند نسل‌زدایی و نابودسازی جمعی. در این نوشتار به چشم‌پوشی از اختلافات احتمالی میان این واژگان همه آنها را در یک معنا و برای اشاره به جرم ژنوساید در نظر می‌گیرد.

2. Elements of Crimes.

۴. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Grover, Sonja, *Child Soldiers Victims of Genocidal Forcible Transfer*, Springer, 2012.

«نسل‌کشی فرهنگی» دانسته‌اند (Cryer, 2014: 218)، زیرا کودکان یک گروه به‌صورت فیزیکی نابود نمی‌شوند، لیکن هویت گروه هدف با عدم انتقال آموزه‌ها و فرهنگش به نسل بعدی از بین خواهد رفت. این معنا را با توجه به ماهیت نسل‌کشی می‌بایست فهم کرد که جرمی است علیه یک جمعیت و گروه به‌مثابه یک هویت جمعی و کلی. به تعبیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۹۶ مصوب ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ «نسل‌کشی انکار حق وجود تمامیت گروه‌های انسانی است چنانکه قتل عمد انکار حق زیستن افراد انسانی است».

«قانون عناصر جرائم» دیوان در تبیین و تشریح نسل‌کشی خاص کودکان تصریح می‌کند که مراد از کودک در اینجا فرد زیر ۱۸ سال است. بنابر «قانون عناصر جرائم»، مرتکب نسل‌کشی می‌بایست یا سن قربانی را بداند یا می‌دانسته باشد. این عنصر معنوی موسع استثنایی بر اصل بیان‌شده در ماده ۳۰ اساسنامه رم است که علی‌الاصول قصد و همچنین «اطلاع واقعی» و حقیقی مرتکب نسبت به شرایط و اوضاع احوال وقوع جرم را لازم می‌داند.^۱ این سیاست افتراقی درباره عنصر معنوی این جرم علیه کودکان را نیز می‌بایست در پرتو رویکرد حمایتی دیوان نسبت به کودکان تفسیر کرد. شعبه پیش‌دادرسی دیوان در پرونده «بمبا»^۲ آشکار می‌سازد که معیار «می‌بایست دانسته باشد»^۳ دربردارنده غفلت و بی‌توجهی در به‌دست آوردن اطلاع و آگاهی لازم است (ICC, June 2015: para. 432). این معیار افراد را در مواجهه با اشخاص کم‌سن‌وسال محتاط‌تر ساخته و ایشان را ملزم می‌سازد تا نسبت به سن قربانیان رفتارهای مجرمانه خود تحقیق کنند، وگرنه مسئول اهمال خود در این باره خواهند بود.

۲.۱. جرم جنگی کودک سربازی

پدیده کودک سربازی در بسیاری از مخاصمات مسلحانه معاصر ظهور و بروز داشته است (Stahn, 2019: 92). توجه به مسئله کودک سربازی چندان کهن نیست (Graf, 2012: 952). «کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو» به‌عنوان مهم‌ترین منبع معاهده‌ای حاکم بر حقوق بشردوستانه درباره این مسئله ساکت بوده‌اند. اما رشد فزاینده مشارکت کودکان در مخاصمات موجب برانگیخته شدن واکنش‌ها شد. از جمله دلایل این افزایش شیوع تسلیحات سبک و قابل حمل برای کودکان و همچنین فزونی یافتن مخاصمات مسلحانه داخلی بوده است (McBride, 2014: 8-10). اولین معاهده بین‌المللی که به مسئله کودکان در جنگ توجه کرد، «پروتکل‌های الحاقی»

۱. بند ۱ ماده ۳۰ اساسنامه رم مقرر می‌دارد که «جز آنکه به‌نحو دیگری مقرر شده باشد، فرد می‌بایست به‌خاطر جرم داخل در صلاحیت دیوان از حیث کیفری مسئول و مشمول مجازات باشد اگر تنها عناصر مادی با قصد و آگاهی واقع شوند».

2. Bemba Gombo.

3. Should Have Known.

به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۷۷ بود که کودک سربازی را به‌مثابه نقض حقوق بشردوستانه قلمداد کردند. پاراگراف دوم ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که تمام تدابیر ممکن را برای جلوگیری از آن که کودکان زیر ۱۵ سال مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی داشته باشند، به‌کار ببندند. بند «ج» پاراگراف سوم ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم نیز تجویز مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را ممنوع می‌سازد. با این حال، معاهدات حقوق بشردوستانه تنها ناظر بر ممنوعیت استفاده از کودک سربازان در مخاصمات بودند. این «کنوانسیون حقوق کودک» مصوب ۱۹۸۹ بود که با توسعه مفهومی کودک سربازی ممنوعیت آن را به استخدام و سربازگیری اجباری از کودکان هم‌تعمیم داد تا مقدمه استفاده از کودکان در مخاصمه نیز ممنوع باشد (بند ۳ ماده ۳۸). چندی بعد در سال ۲۰۰۰ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب «پروتکل اختیاری به کنوانسیون حقوق کودک راجع به مشارکت کودکان در مخاصمه مسلحانه» آستانه سن کودکی را از ۱۵ سال به ۱۸ سال تعمیم داد تا حمایت‌های کنوانسیون حقوق کودک از کودکان در هنگامه جنگ توسعه پیدا کند.^۱

بعد از پذیرش ممنوعیت کودک سربازی در نظام حقوق بشردوستانه، اساسنامه رم برای نخستین بار این رفتار را به‌مثابه جرم جنگی هم در بستر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (شق ۲۵ بند «ب» پاراگراف دوم ماده ۸) و هم غیر بین‌المللی (شق ۷ بند «ی» پاراگراف دوم ماده ۸) جرم‌انگاری کرد. بعد از آن نیز اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون استخدام و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال برای مشارکت فعالانه در مخاصمات مسلحانه را جرم‌انگاری کرد (ماده ۴ بند «ج»). ممنوعیت کودک سربازی بنا بر مطالعات «کمیته جهانی صلیب سرخ»^۲ از یک تعهد معاهده‌ای فراتر رفته و در شمار قواعد عرفی حقوق بشردوستانه درآمده و ممنوعیت آن برای همگان لازم‌الاتباع است (Cottier & Grignon, 2016: 521). دادرسان شعبه تجدیدنظر «دادگاه ویژه» در پرونده «هینگا نورمن»^۳ که صلاحیت دادگاه را مورد اعتراض قرار داده بود، با اکثریت آرا عنوان داشتند که ممنوعیت کودک سربازی قبل از تصویب اساسنامه رم داخل در عرف بین‌الملل بوده است و نویسندگان اساسنامه یک ممنوعیت عرفی را تقنین کرده‌اند (SCSL, 2004: 33).

۱.۲.۱. مصادیق سه‌گانه کودک سربازی

مفهوم «کودک سربازی» به‌مثابه جرم جنگی مصادیق سه‌گانه‌ای را شامل می‌شود که عبارت‌اند از استخدام کودکان در نیروهای مسلح، سربازگیری اجباری ایشان و استفاده از کودکان برای

1. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict. Available at: <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/opaccrc.aspx>.

2. International Committee of the Red Cross.

3. Hinga Norman.

مشارکت فعال در مخاصمات مسلحانه. در نظام حقوقی دیوان این مصادیق سه‌گانه، سه رفتار مجرمانه جداگانه و مستقل از یکدیگر محسوب می‌شوند (ICC, OTP, 2016: 954). از این‌رو برای نمونه در تعیین مجازات برای لوبانگا شعبه دادرسی دیوان برای استخدام ۱۲ سال، برای سربازگیری اجباری ۱۳ سال و برای به‌کارگیری در مخاصمات ۱۴ سال حبس تعیین کرد (ICC, July 2012: para. 98). این رویکرد برخلاف رأی شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه سیرالئون است که این سه جرم را مصادیق یک عنوان مجرمانه واحد می‌داند (SCSL, 2008: 139).

۱.۲.۲. استخدام و سربازگیری

تفاوت «استخدام»^۱ و «سربازگیری»^۲ کودکان در اساسنامه رم تبیین نشده است. لیکن در پرونده لوبانگا بیان شد که استخدام فعلی داوطلبانه است و سربازگیری دربردارنده عنصر اجبار (ICC, Trial Chamber, 2012: 607-18). موضعی که در دادگاه ویژه سیرالئون نیز تأیید شد (SCSL, 2012: 442-3). صرف استخدام کودکان در نیروهای مسلح یک جرم جنگی محسوب می‌شود، فارغ از آنکه متعاقب این استخدام کودک استخدام شده در مخاصمه به‌کار گرفته بشود یا خیر (ICC, Trial Chamber, 2012: 609). هدف از ممنوعیت عضوگیری کودکان حتی به‌صورت داوطلبانه پیشگیری از به‌خطر افتادن ایشان است، چراکه استخدام نیروهای مسلح به‌هنگام برپا شدن مخاصمه کودک را یک هدف نظامی و مشروع می‌سازد و امنیت و سلامت وی را به‌مخاطره می‌اندازد (Smith, 2004: 1148). استقلال جرم عضوگیری از جرم استفاده از کودکان در مخاصمات موجب می‌شود که در تحقق عنصر معنوی جرم نخست علم به استفاده پس‌بینی از کودکان در مخاصمه شرط نباشد (Sivakumaran, 2010: 1016). همچنین، به‌کارگیری کودک سربازان در نیروهای نظامی چه از سوی دولت و چه از سوی گروه‌های مسلح سازمان‌یافته جرم محسوب می‌شود و داوطلبانه بودن استخدام و رضایت کودک عامل موجهه جرم یا عامل رافع مسئولیت در آن نخواهد بود، چراکه رضایت کودک زیر ۱۵ سال رضایت مبتنی بر اطلاع و راستین نیست و نسبت به ابراز آن اثری مترتب نمی‌شود (ICC Trial Chamber, 2012: 613).

۱.۲.۳. استفاده از کودک سربازان در مخاصمه

اساسنامه‌های دیوان^۳ و دادگاه ویژه سیرالئون^۴ به استفاده از کودک سربازان برای «مشارکت

1. Enlisting.

2. Conscripting.

3. Article 8 (2)(b)(xxvi) and Article 8 (2)(e)(vii) of the Rome Statute.

4. Article 4(c) of the SCSL Statute.

فعال^۱ در مخاصمه مسلحانه به عنوان یک جرم جنگی اشاره دارند، در حالی که پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) به «مشارکت مستقیم» اشاره کرده است. مفهوم مشارکت مستقیم مضیق تر از مشارکت فعالانه است. مشارکت مستقیم در مخاصمه سبب می شود که حتی شهروندان غیرنظامی از پوشش حمایتی حقوق بشردوستانه خارج شوند (ICC, Trial Chamber, 2012: 627). مشارکت مستقیم اقدامات نظامی ای است که ماهیت یا هدف آن آسیب رساندن به خصم است (ICTR, 1999: 100). از این رو هدف قرار دادن غیرنظامیانی که در مخاصمه مشارکت مستقیم دارند، مادامی که این مشارکت ادامه داشته باشد به مانند هدف قرار دادن نظامیان در زمینه و زمانه مخاصمه مجاز است.^۲ در مقابل، مشارکت فعال معنای عام تری دارد. در واقع استفاده از کودک سربازان در مخاصمه مسلحانه دارای دو مصداق است؛ یکی مشارکت مستقیم ایشان است که همانا حضور در خط مقدم جنگ است و دیگری مشارکت غیرمستقیم که به رزم و جنگ رزمندگان و جنگجویان کمک می کند، لیکن شامل نقش ها و مصادیق پرشماری است که باید مورد به مورد بررسی شود (Rodenhauer, 2016: 175). در تعیین معنای مشارکت فعال دادرسان شعبه دادرسی رسیدگی کننده به پرونده لوبانگا یک قاعده وضع کردند که براساس آن هر فعالیتی که کودکان دختر یا پسر را در معرض خطر واقعی قرار بدهد، مصداق مشارکت فعال در مخاصمه خواهد بود؛ این خطر عبارت است از هدف بالقوه واقع شدن در جنگ (ICC, Trial Chamber, 2012: 628). در این پرونده دادرسان در راستای رویکرد حمایتی دیوان نسبت به کودکان تفسیر موسعی از هدف واقع شدن در زمان مخاصمه ارائه کردند که براساس آن خطر هدف قرار گرفتن علاوه بر کشته شدن شامل خطر مورد تجاوز یا خشونت جنسی واقع شدن در پی اسارت، رفتار بی رحمانه و غیرانسانی یا تحمل مشقت های مغایر با حقوق بنیادین کودکان نیز است (ICC, Trial Chamber, 2012: 606).

حمایت از کودکان در مخاصمات باید بدون تبعیض صورت گیرد و شامل حمایت از کودک سربازان دختر نیز باشد. از این رو، در تعیین نوع مشارکت کودکان در مخاصمه جنسیت آنها نیز باید لحاظ شود (ICC, OTP, 2016: 43). در پرونده لوبانگا، یکی از دادرسان شعبه دادرسی، خانم «ادیو بنیتو»،^۳ در رأی مخالف و مجزای خود این نظریه را مورد تأکید قرار داد که خشونت ها و جرائم جنسی علیه دختران مانند تجاوز یا به بردگی جنسی گرفتن ایشان در پشت جبهه توسط نیروهای خودی مصداقی از مشارکت فعال در مخاصمه و بالمآل مصداقی از جرم کودک سربازی است (Benito, 2010: 17-21). همان طور که اشاره شد مشارکت غیرمستقیم

1. Active Participation.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Emily Crawford, *Individual Status in Armed Conflict: Combatants, Non-Combatants, Direct Participation in Hostilities and Prisoners of War* in Alison Pret (ed.), *International Humanitarian Law*, 2015, Cambridge University Press.

3. Odio Benito.

مخاصمه آنجا محقق است که به کمک به جنگ یا جنگجویان منتهی شود. قاضی بنیتو بر این باور بود که استفاده از دختران به‌عنوان بردگان یا همسران جنسی کمک شایان توجهی به جنگجویان در عرصه رزم می‌کند (Benito, 2010: 20). البته نظر قاضی بنیتو مورد نقد واقع شده است. از یک سو پذیرش به بردگی جنسی گرفتن به‌عنوان مصداقی از مشارکت در جنگ و مخصوصاً به دلیل ماهیت کاملاً غیرنظامی آن سخت است. از سوی دیگر، پذیرش مشارکت فعال دختران قربانی خشونت‌های جنسی در مخصوصاً یک تالی فاسد دارد و آن در معرض تهدید و خطر قرار دادن ایشان است، چراکه لازمه این امر پذیرش از دست رفتن وضعیت غیرنظامی دختران و تبدیل شدن ایشان به هدف نظامی است (Rodenhauser, 2016: 173). عطف توجه به این لوازم نامقبول، «شعبه تجدیدنظر» دیوان در تعیین معنای مشارکت فعال در مخصوصاً معیار در معرض خطر بالقوه قرار گرفتن را رد کرد. از نظر شعبه تجدیدنظر معیار تحقق مشارکت فعال کودکان در مخصوصاً وجود رابطه میان فعالیت‌هایی که کودک برای انجام آن به خدمت گرفته شده با جنگ و مخصوصاً ای است که مرتکب جرم کودک سربازی درگیر آن است (ICC, Appeals Chamber, 2014: 340). در واقع، بنابر نظر شعبه تجدیدنظر دیوان کودک سربازان صرفاً برای فعالیت‌هایی که ماهیت نظامی داشته و مرتبط با جنگ جاری میان دو طرف است باید به کار گرفته شوند تا جرم استفاده از کودک سربازان در مخصوصاً محقق شود.

۱.۲.۴. سن کودک سربازی

همان‌طور که اشاره شد، اساسنامه رم برای تعریف کودکی ۱۸ سالگی را به رسمیت شناخته است. با این حال، در خصوص جرم خاص کودک سربازی آستانه سنی کودک بودن به ۱۵ سال تقلیل پیدا کرده است. بر این اساس، تنها استخدام یا سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال یا استفاده از ایشان برای مشارکت فعال در مخصوصاً مسلحانه به‌مثابه جرم جنگی جرم‌انگاری شده است. بنابراین، استفاده از افراد بالای ۱۵ سال در مخصوصاً مسلحانه مشمول عنوان مجرمانه کودک سربازی نمی‌شود. دلیل محدود شدن سیاست حمایت از کودکان در این مورد خاص آن است که جرم‌انگاری استخدام و استفاده از کودک سربازان به معنای محدود کردن دامنه اختیارات و توانمندی دولت‌ها در سیاست‌های نظامی خود است. بنابراین، چون در اینجا مسئله نفع دولت‌ها مطرح بوده است، توافقی برای بالا بردن آستانه سنی کودکی و بسط قلمرو حمایتی دیوان که به قبض اختیارات دولت‌ها می‌انجامد، حاصل نشد.

دوگانگی سنی ۱۵ سال و ۱۸ سالگی در اساسنامه رم در مورد کودکان برخاسته از «کنوانسیون حقوق کودک» مصوب ۱۹۸۹ است. ماده ۱ کنوانسیون کودک را فردی معرفی می‌کند که به ۱۸ سال نرسیده باشد. بنابراین، تمام حقوق مندرج در کنوانسیون شامل افراد زیر ۱۸ سال به‌عنوان کودک می‌شود. اما در ادامه کنوانسیون به یک استثنا اشاره می‌کند و آن در

خصوص ممنوعیت استفاده از کودک سربازان است. ماده ۳۸ کنوانسیون با الزام دولت‌ها به رعایت حقوق بشردوستانه در مورد کودکان، ۱۵ سالگی را به‌عنوان آستانه کودکی در ارتباط با ممنوعیت «مشارکت مستقیم» کودکان در مخاصمه (بند ۲) یا سربازگیری ایشان (بند ۳) در نظر می‌گیرد. در معاهدات حقوق بشردوستانه یعنی پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز ۱۵ سالگی به‌عنوان آستانه جرم کودک سربازی در نظر گرفته شده است. بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی و ماده ۳ پروتکل دوم الحاقی به‌کارگیری کودک سربازان زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی را نقض حقوق بشردوستانه می‌داند.

در سال‌های پس از تصویب کنوانسیون حقوق کودک تلاش‌هایی برای افزایش سن کودک سربازی به ۱۸ سال صورت پذیرفت. نمونه بارز به ثمر نشستن این تلاش‌ها تصویب «پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به منع دخالت کودکان در مخاصمات مسلحانه» در سال ۲۰۰۰ بود. بیان پروتکل الحاقی در مورد استخدام کودکان در نیروهای مسلح ارشادی است؛ بدان‌معنا که پروتکل از دولت‌ها تنها درخواست می‌کند تا آستانه سنی استخدام کودکان در نیروهای مسلح خود را تا ۱۸ سال افزایش دهند.^۱ اما در مورد استفاده از کودکان زیر ۱۸ سال در مخاصمات بیان پروتکل الزام‌آفرین است و براساس آن دولت‌های عضو ملزم به اتخاذ تمام تدابیر ممکن برای عدم مشارکت مستقیم ایشان در مخاصمات مسلحانه شده‌اند. برخلاف استخدام داوطلبانه، سربازگیری اجباری کودکان زیر ۱۸ سال توسط پروتکل به‌طور مطلق منع شده است (ماده ۲ پروتکل الحاقی).

۲. جنایت علیه بشریت از طریق «اذیت و آزار» کودکان

بنابر ماده ۷ اساسنامه رم، جرائم علیه بشریت عبارت است از یک حمله (غیرنظامی) گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی که در راستای یک خط‌مشی دولتی یا سازمانی باشد. از جمله رفتارهای سازنده جرائم علیه بشریت جرم «اذیت و آزار»^۲ است. اساسنامه رم این جرم را به‌عنوان محروم‌سازی عمدی یک گروه یا جمعیت از حقوق بنیادین‌شان به‌دلیل هویت آن گروه یا جمعیت تعریف کرده است. برخلاف جرم نسل‌کشی که گروه‌های مورد حمایت منحصر به گروه‌های چهارگانه ملی، نژادی، قومی یا مذهبی است، در جرم اذیت و آزار چنین انحصاری وجود ندارد. بنابراین، از جمله گروه‌های هدف این جرم جمعیت کودکان می‌تواند باشد (ICC, 51: 2016). اگر کودکان به‌واسطه کودک‌بودنشان به‌صورت سازمان‌یافته یا گسترده هدف قرار بگیرند و از حقوق بنیادینی که دارند، از جمله حق بر آموزش محروم شوند، رفتار مادی سازنده

۱. برخلاف دولت‌ها، پروتکل الحاقی گروه‌های مسلح را ملزم می‌کند به‌صورت مطلق از استخدام و به‌کارگیری کودکان زیر ۱۸ سال در مخاصمه اجتناب کنند (ماده ۴).

جرم اذیت و آزار محقق شده است. در رویه قضایی دیوان، نمونه بارز جرم اذیت و آزار کودکان در قضیه نیجریه مشاهده می‌شود که در آن گروه «بوکو حرام» با در اختیار داشتن کنترل بخش شمالی نیجریه، دختران محصل را بر مبنای باورمندی به ممنوع بودن تحصیل دختران مورد اذیت و آزار و از آن جمله ربایش قرار می‌دهد (ICC, OTP, 2018: 225-228).

۱.۲. جنایت علیه بشریت از طریق قاچاق کودکان

یکی دیگر از مصادیق جرائم علیه بشریت در اساسنامه رم «به بردگی گرفتن»^۱ است. بنابر تعریف اساسنامه این رفتار عبارت است از اعمال اختیارات برخاسته از مالکیت نسبت به یک فرد انسانی. «دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق»^۲ در پرونده «کوناراک»^۳ کنترل آمد و شد، مهار محیط فیزیکی، کنترل روانی، پیشگیری از فرار یک نفر، برخورد خشن و کنترل کردن امور جنسی یک فرد یا اجبار وی به کار را از معیارهای اثبات‌کننده به بردگی گرفتن دانسته است (ICTY, 2001: 542). کودکان نیز می‌توانند قربانی جرم به بردگی گرفتن باشند. بند «ج» پاراگراف دوم ماده ۷ اساسنامه رم و پاورقی ۱۱ قانون «عناصر جرائم» دیوان به صراحت از قاچاق انسان به خصوص قاچاق کودکان به عنوان یکی از مصادیق به بردگی گرفتن یاد می‌کند. قاچاق انسان را «برده‌داری نوین» نامیده‌اند (Moran, 2014: 42). مقابله با قاچاق کودکان و تعقیب مرتکبان این جرم از دیرباز در زمره نگرانی‌های جامعه جهانی بوده است. «کنوانسیون بین‌المللی ژنو برای سرکوب قاچاق زنان و کودکان» که توسط «جامعه ملل» در سال ۱۹۲۱ تصویب شد، دولت‌های عضو خود را ملزم می‌ساخت تا تمام تدابیر لازم را برای کشف و تعقیب افراد دخیل در قاچاق کودکان از هر دو جنس به کار گیرند.^۴ در راستای همین رویکرد سرکوب‌گرایانه نسبت به پدیده قاچاق کودکان بوده است که دیوان قاچاق ایشان را مستعد رسیدن به آستانه جنایت و جرم بین‌المللی نیز دانسته است. در سال ۲۰۱۷، دادستان دیوان در گزارش دوره‌ای خود در خصوص «قضیه لیبی» خطاب به شورای امنیت سازمان ملل اعلام داشت که لیبی به بازار انسان‌ها تبدیل شده و قاچاق انسان و مهاجران به خصوص زنان و کودکان به بحرانی‌تر شدن قضیه لیبی کمک کرده است. بر همین اساس دادستان اعلام داشت که دفتر وی در حال بررسی امکان آغاز تحقیقات نسبت به جرائم مرتبط با مهاجران است.^۵

1. Enslavement.

2. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.

3. Kunarac.

4. Article 1 of International Convention for the Suppression of the Traffic in Women and Children.

5. ICC, Statement of ICC Prosecutor to the UNSC on the Situation in Libya, 9 May 2017.

برای امکان اعمال صلاحیت دیوان در خصوص قضیه مهاجران و قاچاق انسان در لیبی ر.ک:

Zakerhossein, Mohamad Hadi, Crimes against migrants in Libya manifestly fall outside the ICC Prosecutor's jurisdiction, JusticeHub, 21 May 2017.

۲.۲. جرائم عام با تأثیرگذاری شدید بر کودکان

جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت جرائمی با ماهیت جمعی‌اند. از این رو این جرائم نوعاً علیه انواع قربانیان به صورت عام و فارغ از سن و جنسیت ایشان ارتکاب می‌یابد. با این حال، به دلیل آستانه آسیب‌پذیری پایین کودکان در میان قربانیان جرائم بین‌المللی کودکان همواره سهم پررنگی دارند. از این رو، در سند «خط‌مشی راجع به کودکان» که در نوامبر ۲۰۱۶ از سوی دفتر دادستان دیوان منتشر شد، تأکید شده است که تعقیب جرائمی که به بزه‌دیدگی کودکان می‌انجامد، در اولویت تعقیبی دادستان قرار دارد (McBride, 2014: 9). همچنین حضور کودکان در میان بزه‌دیدگان یک جرم از عوامل تشدید مجازات محسوب می‌شود (ICC, OTP, 2016: 102).

«شورای امنیت سازمان ملل متحد» شش دسته از جرائم علیه کودکان را به عنوان نقض‌های فاحش حقوق کودک محسوب کرده و سازمان ملل را به سمت اقدامات پیشگیرانه و پاسخ‌دهنده به این نقض‌ها هدایت کرده است. این نقض‌ها به دلیل عواقب شدیدی که نسبت به زندگی کودکان ایجاد می‌کنند، انتخاب شده‌اند تا مقابله با آنها تحت نظارت و رصد سازمان ملل باشند (UN, 2013: 9). این نقض‌های شش‌گانه عبارت‌اند از: استفاده از کودک سربازان در مخاصمات، قتل و نقض عضو کودکان، کودک‌ربایی، جرائم و خشونت‌های جنسی، حمله به مدارس و ممانعت از ارسال کمک‌های امدادی به کودکان. در همین زمینه دبیرکل سازمان ملل در گزارش‌های سالیانه‌ای که درباره «کودکان و مخاصمه مسلحانه» تهیه می‌کند، ملزم شده است تا گروه‌هایی را که مرتکب این نقض‌های فاحش می‌شوند، شناسایی و هویت آنها را اعلام کند.^۱ به تبعیت از شورای امنیت دادستان دیوان این دسته از جرائم علیه کودکان را در اولویت تعقیب قرار داده است. در سند «خط‌مشی راجع به کودکان» این نقض‌ها مورد اشاره واقع شده‌اند (ICC, OTP, 2016: fn. 48). برخی از این جرائم لزوماً علیه کودکان نیستند. بزرگسالان نیز قربانی جرائم جنسی‌اند، چنانکه مراکز آموزشی مورد حمایت حقوق بشردوستانه محدود به مدارس کودکان نیست. لیکن در این جرائم آسیب‌پذیری کودکان بیشتر است و همین مقتضی حمایت بیشتری از قربانیان کودک این جرائم است.

۳.۲. جرم جنگی هدف قرار دادن مراکز آموزشی

حق بر آموزش از حقوق بنیادین کودکان است.^۲ در راستای حمایت از کودکان و حق ایشان بر

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

United Nations, Guidelines Monitoring and Reporting Mechanism on Grave Violations against Children in Situations of Armed Conflict, June 2014.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره حق بر آموزش در حقوق بشردوستانه ر.ک:

آموزش، «بناهای اختصاص‌یافته به آموزش»^۱ و از آن جمله مدارس تحت حمایت ویژه حقوق بشردوستانه‌اند. به تعبیر شعبهٔ دادرسی «دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق»، مراکز آموزشی دارای‌هایی با «غایت اهمیت برای میراث فرهنگی مردمان» هستند (ICTY, 2001: 360). تخریب مدارس به محروم شدن کودکان از آموزش می‌انجامد. مدارس ماهیتی غیرنظامی دارند و هدف قرار دادن آنها در خلال یک مخاصمهٔ مسلحانه نقض «اصل تفکیک» و مغایر با ممنوعیت کلی هدف قرار دادن اموال غیرنظامی است. البته ممنوعیت حمله به مدارس به مانند ممنوعیت هدف قرار دادن سایر اموال غیرنظامی تا وقتی است که این اموال مورد استفادهٔ نظامی واقع نشوند (Arnold & Wehrenberg, 2016: 420). در اساسنامهٔ رم، هدایت عامدانهٔ حملات علیه بناهای اختصاص‌یافته به آموزش به‌عنوان یک جرم جنگی قابل تعقیب قلمداد شده است. این جرم یک جرم مطلق است، بدان معنا که صرف هدایت حملات علیه یک مدرسه و فارغ از آنکه این حمله منتج به آسیب و تخریب شود یا نه، جرم جنگی است (Arnold & Wehrenberg, 2016: 419). بنابر قاعدهٔ ۸۵ از «قواعد آیین دادرسی و ادله» دیوان نهادها یا سازمان‌هایی که صاحب مدارس و مؤسسات اختصاص‌یافته به امر آموزش هستند، به‌عنوان «بزه‌دیده» جرم جنگی هدایت حملات علیه بناهای آموزشی محسوب می‌شوند و از حقوق بزه‌دیدگان در دیوان مانند حق مشارکت در فرایند دادرسی یا حق بر جبران خسارت بهره‌مند خواهند بود.

در «قضیهٔ افغانستان»^۲ دادستان دیوان اعلام کرد که براساس اطلاعات موجود مبنای معقولی وجود دارد که اعضای «طالبان» و گروه‌های مسلح وابسته به آن در بازهٔ زمانی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی مرتکب جرم جنگی هدایت عامدانه حملات علیه مدارس شده که در نتیجهٔ آن صدها مدرسهٔ عمومی با استفاده از تسلیحات انفجاری تخریب شده‌اند. بنابر اعلام دادستان دیوان، مخالفت ایدئولوژیک با امر آموزش به‌خصوص آموزش دختران، اعتقاد به اینکه در مدارس باورهای مخالف با باورهای طالبان ترویج داده می‌شود و این اعتقاد که مدارس نماد دولت مرکزی است، از جمله علل هدف قرار دادن مدارس توسط طالبان بوده است (ICC, OTP, 2017: 146). البته بنابر اعلام دادستانی دیوان این رویهٔ مجرمانه بعد از سال ۲۰۱۰ کاهش پیدا کرده، لیکن در قالب حمله به معلمان و دانش‌آموزان تداوم یافته است (ICC, OTP, 2017: 147).

۲.۳.۱. جرائم جنسی

تعقیب «جرائم جنسی و جرائم مبتنی بر جنسیت» از اولویت‌های دادستان دیوان است. کودکان

Horowitz, JT, The Rights to Education in Occupied Territories, in McCorman, Timothy (ed.), Yearbook of International Humanitarian Law, Asser Press, 2006.

1. Buildings Dedicated to Education.

2. The Situation in Afghanistan.

در برابر این دسته از جرائم از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند. ماده ۵۴ اساسنامه رم دادستان را ملزم می‌سازد که در امر تعقیب ماهیت جرم به‌خصوص جرائم جنسی را در نظر بگیرد. در سال ۲۰۱۴ میلادی، دفتر دادستان «سند خط‌مشی جرائم جنسی و جرائم مبتنی بر جنسیت» را منتشر کرد.^۱ به موجب این سند، جرائم جنسی در عداد شدیدترین جرائم داخل در صلاحیت دیوان و از اولویت‌های تعقیبی دادستان قلمداد شده است (ICC, OTP, 2014: 2). براساس این خط‌مشی، دادستان متعهد شده است که هر کجا که ادله کافی برای اثبات جرم وجود داشته باشد، اتهام ناظر بر ارتکاب جرائم جنسی و جرائم علیه جنسیت را در پرونده متهمان وارد سازد (ICC, OTP, 2014: 7).

در اساسنامه دیوان سیاهه گسترده‌ای از جرائم جنسی جرم‌انگاری شده است، مانند تجاوز، روسپیگری اجباری و حاملگی اجباری. اولویت مقابله با جرائم جنسی در جایی که قربانیان این رفتارهای مجرمانه کودک باشند، مضاعف می‌شود. کودکان می‌توانند قربانی انواع جرائم جنسی واقع شوند، هرچند در مورد جرم «به بردگی جنسی گرفتن» قانون «عناصر جرائم» به قاچاق کودکان برای مقاصد جنسی به‌صورت خاص تصریح کرده است. بنابر گزارش «نماینده ویژه سازمان ملل راجع به تجاوز، بردگی جنسی و سایر رسوم شبه بردگی نظام‌مند در مخاصمات مسلحانه»،^۲ در به بردگی جنسی گرفتن محدودیت‌های فیزیکی در آمد و شد یا پرداخت پول در قبال عمل جنسی در عمل جنسی هیچ‌کدام شرط نیست (UN, 2000: 50). حمایت از کودکان در قبال جرائم جنسی در رویه دیوان حتی فراتر از قلمرو حمایت‌های حقوق بشردوستانه رفته است. بنابر نظر غالب، نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه که به آستانه جرائم جنگی می‌رسند، نقض حقوق گروه‌های مورد حمایت متعلق به طرف مقابل و خصم است. در این میان جرم کودک‌سربازی خلاف قاعده کلی است، چراکه قربانی آن وابسته به نیروهای خودی است. اما جرائم و خشونت‌های جنسی مشمول همان قاعده کلی محسوب می‌شود. با وجود این، در رویه قضایی دیوان این ممنوعیت و مجرمیت به ارتکاب تجاوز علیه کودک سربازان جبهه خودی نیز تعمیم یافته است. کودک سربازان در صورت مشارکت در جنگ جمعیت غیرنظامی محسوب نمی‌شوند و علی‌القاعده حمایت‌های حقوق بشردوستانه را از دست می‌دهند. لیکن بنابر نظر دیوان این حمایت‌ها به‌صورت مطلق منتفی نمی‌شود و در برابر جرائم جنسی باقی می‌ماند. دادرسان دیوان در پرونده «بوسکو ناتاگاندا»^۳ به بردگی جنسی گرفتن کودکان در مخاصمه توسط هم‌زمان را نه به‌عنوان کودک سربازی، بلکه به‌عنوان جرم جنگی

۱. بنابر تعریف سند خط‌مشی دفتر دادستان، جرائم جنسی رفتارهایی هستند که ماهیت جنسی دارند که خود

اعم از رفتارهای فیزیکی مانند تجاوز و غیر فیزیکی مانند برهنه ساختن اجباری است.

2. UN Special Rapporteur on the issue of systematic rape, sexual slavery, and slavery-like practices in armed conflict.

3. Bosco Ntaganda.

خشونت‌های جنسی تحت تعقیب قرار دادند. در این پرونده ناتاگاندا از سوی دادستان متهم به ارتکاب جرائم جنسی علیه کودک سربازان تحت امر و فرمان خود در منطقه ایتوری در جمهوری دموکراتیک کنگو شده بود. بنابر گفته دادستان دیوان، بهره‌کشی از دخترکان سرباز برای انجام کارهای خانه، آشپزی و همچنین رابطه جنسی به الگوی رفتاری حاکم بر نیروهای تحت امر ناتاگاندا تبدیل شده بود (ICC, OTP, 2014: 101). برای نمونه، تجاوز جنسی به دختر سربازان در زمان تمرینات نظامی یا بعد از پایان جنگ و عملیات نظامی از جمله عادات نیروهای تحت فرمان ناتاگاندا بود (ICC, OTP, 2014: 102).

با این حال و با وجود ادله کافی مبنی بر وقوع جرائم جنسی علیه دختران حاضر در میان نیروهای ناتاگاندا و کلای وی به این اتهام اعتراض کردند. استدلال وکلای مدافع آن بود که اولاً کودک سربازان به دلیل مشارکت در مخاصمه جزء گروه‌های مورد حمایت حقوق بشردوستانه نیستند و دوم آنکه جرائم جنگی تنها علیه نیروهای متخاصم واقع می‌شود و نه نیروی‌های خودی. اما دادرسان دیوان اعتراض وکلای متهم را رد کردند. در مورد ایراد نخست دادرسان تأکید کردند که حمایت حقوق بشردوستانه از کودک سربازان تنها زمانی رفع و متوقف می‌شود که ایشان مشارکت مستقیم یا فعال در یک مخاصمه داشته باشند. تنها در این فرض است که کودک سربازان به‌عنوان یک نیروی نظامی هدف مشروع محسوب خواهند شد و حمایت‌های حقوق بشردوستانه را از دست خواهند داد. اما دادرسان تأکید کردند که صرف عضویت کودکان زیر ۱۵ سال در یک گروه مسلح به معنای مشارکت مستقیم یا فعال ایشان در مخاصمه مسلحانه نیست. همچنین، کودکانی که در معرض رفتارهای جنسی و مورد تجاوزند، دیگر نمی‌توانند همزمان در درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه نیز مشارکت فعال داشته باشند و از این رو حمایت‌های عمومی حقوق بشردوستانه را از دست نمی‌دهند (ICC, PTC II, June 2014: 78). در مورد ایراد دوم، شعبه تجدیدنظر این خوانش رسمی که حقوق بشردوستانه تنها رفتار طرفین مخاصمه نسبت به یکدیگر را تنظیم می‌کند، رد و تصریح کرد که این حقوق ناظر بر حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر در زمان مخاصمه نیز است (ICC, AC, June 2017: para. 57). بنابر نظر دادرسان شعبه تجدیدنظر، ارتکاب خشونت‌های جنسی در زمان مخاصمه علیه هیچ شخصی فارغ از اینکه از منظر حقوق بشردوستانه یک هدف مشروع برای کشتن باشد یا نباشد، وجود ندارد (ICC, AC, 2017: para. 57). براساس همین تفسیر، ناتاگاندا در جولای ۲۰۱۹ به دلیل مشارکت غیرمستقیم در ارتکاب جرم جنگی به بردگی جنسی گرفتار محکوم شد (ICC, 2019).

مشارکت کودکان در دادرسی

علاوه بر حمایت ماهوی دیوان از کودکان بزه‌دیده در قالب جرم‌انگاری رفتارهای واقع‌شده علیه منافع و حقوق ایشان، کودکان بزه‌دیده در نظام حقوقی می‌توانند به‌عنوان شاهد ایفای نقش کنند و در اثبات و احراز جرائم مؤثر باشند. ادای شهادت از سوی کودکان ایشان را در حصن

حمایتی دیوان قرار می‌دهد. بند ۱ ماده ۶۸ اساسنامه یک تکلیف عمومی برای دیوان و به‌خصوص دادستانی آن تعیین می‌کند تا تدابیر لازم برای حمایت از قربانیان و شهود در نظر گرفته شود. این تعهد درباره شهود کودک تشدید می‌شود. در همین زمینه از سال ۲۰۰۳ میلادی، دفتر دادستان دیوان «واحد جنسیت و کودکان»^۱ را در ساختار دادستانی دیوان تأسیس کرده است تا یاری‌رسان فعالیت‌های دیوان در خصوص موضوعات مرتبط با کودکان باشد (ICC, OTP, 2016: 5). این واحد مکمل «واحد قربانیان و شهود»^۲ دبیرخانه دیوان است که حفاظت از قربانیان و شهود دیوان را بر عهده دارد. با توجه به استرس‌زا بودن محیط دادگاه و آثار سوء ثانویه‌ای که می‌تواند ادای شهادت برای کودکان به‌همراه داشته باشد، دادستانی دیوان تدابیر ویژه‌ای برای کودکان شاهد در نظر گرفته است که از جمله آنها می‌توان به حضور مجازی در دادگاه و از طریق ویدئوکنفرانس و همچنین همراه شدن یک روان‌شناس یا یکی از والدین با کودک در محیط دادگاه اشاره کرد (ICC, OTP, 2016: 94).

همچنین کودکان بزه‌دیده می‌توانند در فرایند دادرسی به‌عنوان قربانی و نه شاهد ایفای نقش کنند. از ویژگی‌های خاص آیین دادرسی دیوان امکان مشارکت قربانیان در فرایند دادرسی است. براساس بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه دادرسان دیوان ملزم‌اند در صورت مناسب بودن به دیدگاه‌ها و نگرانی قربانیان در فرایند دادرسی توجه کنند. کودکان بزه‌دیده نیز از این حق برخوردارند و در صورت مشارکت در فرایند دادرسی مشمول حمایت‌های در نظر گرفته‌شده برای شهود کودک خواهند بود. ماده ۱۲ «کنوانسیون حقوق کودک» با تأیید این ایده که کودکان قابلیت داشتن و ابراز رأی و نظر مستقل خود را دارند، تأکید می‌کند که نظر کودکان با توجه به سن ایشان می‌بایست به‌نحو مناسب مورد توجه واقع شود. در مواجهه با کودکان به‌عنوان قربانی یا شاهد دادستانی دیوان اصل «بهترین نفع کودک»^۳ را برگزیده است که به معنای ارزیابی مستمر برای شناسایی چیزی است که به بهترین نحو سلامت فیزیکی، روانی و احساسی کودک و امنیت و رفاه او را تأمین می‌کند (ICC, OTP, 2016: 28).

کودکان بزه‌دیده به‌مانند سایر قربانیان از حق جبران خسارت که در ماده ۷۵ اساسنامه به رسمیت شناخته شده است نیز برخوردارند. در پرونده لوبانگا، شعبه تجدیدنظر دیوان اعلام کرد که کودک سربازی موجب وارد آمدن گستره گسترده‌ای از آسیب‌ها به کودکان می‌شود که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: آسیب فیزیکی، ضربه روحی، ضربه و اختلالات روانی و رفتاری، از دست دادن فرصت تحصیل، جدایی از خانواده، اختلال در بازا اجتماعی شدن، تشدید هیجانات و رفتارهای خشن، عدم رشد مهارت‌های زندگی مدنی ICC, Appeals

1. Gender and Children Unit.
2. Victims and Witness Section.
3. The Best Interest of the Child.

(Chamber, 2015: 191). بر همین اساس، در دسامبر ۲۰۱۷ شعبه دوم دادرسی دیوان لوپانگا را به پرداخت ۱۰ میلیون دلار به‌عنوان جبران خسارت جمعی محکوم کرد (ICC, 2017).

بزهکاری کودکان بزه‌دیده

کودکی در نظام حقوقی دیوان وضعیتی حقوقی است که آثاری بر آن مترتب می‌شود. از جمله مهم‌ترین این آثار فقدان مسئولیت کیفری کودک در نظام حقوقی دیوان است. کودکان می‌توانند مرتکب جرم شوند، لیکن مسئولیت کیفری بر فعل مجرمانه ایشان مترتب نمی‌شود. نظام حقوقی دیوان به‌نحو انحصاری مبتنی بر مسئولیت کیفری فردی است (Schabas, 2011: 224). اما این مسئولیت مطلق نیست، چراکه آغاز مسئولیت کیفری افراد در دیوان دارای ستانه کمی و سنی است. البته باید به‌خاطر داشت که مسئول نبودن کودکان در زمان ارتکاب جرم مانع از رسیدگی به جرائم ایشان پس از عبور از سن کودکی و در صورت استمرار بزهکاری نخواهد بود.

۱. فقدان مسئولیت کیفری

اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی موردی پیش از دیوان در خصوص سن مسئولیت کیفری ساکت بودند؛ هرچند البته هیچ فرد زیر بیست سالی در این محاکم تحت تعقیب واقع نشد (Schabas, 2016: 591). این سکوت در «اساسنامه رم» شکسته شد. ماده ۲۶ اساسنامه دیوان یک اصل صلاحیتی بنا نهاده است و آن خروج جرائم ارتکاب‌یافته از سوی اشخاص زیر ۱۸ سال از شمول صلاحیتی این نهاد است. بنابراین، سن مسئولیت کیفری در دیوان ۱۸ سالگی است. این بدان معناست که افراد زیر ۱۸ سال در دیوان حتی در فرض ارتکاب جرائم بین‌المللی فاقد مسئولیت کیفری هستند و دیوان قادر به تعقیب آنها نیست. سند «خط‌مشی راجع به کودکان»^۱ منتشرشده از سوی دفتر دادستان دیوان افرادی را که به ۱۸ سالگی نرسیده‌اند، کودک می‌نامد (ICC, OTP, 2016: 16). بنابراین، این اشخاص به‌دلیل کودک بودن نه‌تنها نزد دیوان فاقد مسئولیت کیفری هستند، بلکه مشمول سیاست‌های حمایتی دیوان نسبت به کودکان خواهند بود.

«دادگاه ویژه سیرالئون»^۲ (از این پس دادگاه ویژه) در کنار دیوان تنها محکمه کیفری بین‌المللی است که تا امروز سن مسئولیت کیفری را مشخص کرده است. برخلاف اساسنامه رم، دادگاه ویژه سن مسئولیت کیفری کودکان را از ۱۸ سال به ۱۵ سال کاهش داده است. بنابر بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دادگاه ویژه، دادگاه در خصوص افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۵ سال بوده‌اند، هیچ صلاحیتی ندارد. بدان‌معنا که جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال قابل رسیدگی در

1. Policy on Children.

2. Special Court for Sierra Leon.

دادگاه ویژه است. اساسنامه دادگاه ویژه برخلاف اساسنامه رم این افراد را نوجوان می‌نامد.^۱ البته سیاست جنایی دادگاه ویژه نسبت به بزه‌کاری نوجوانان در قیاس با بزه‌کاری افراد بالای ۱۸ سال سیاست افتراقی و مبتنی بر پاسخ‌های غیرکیفری است که شامل اقداماتی مانند تحت نظارت بزرگسالان قرار گرفتن، خدمات اجتماعی، برنامه‌های آموزشی می‌شود.^۲

نکته مهم آن است که عدم پذیرش مسئولیت کیفری کودکان در دیوان البته به معنای پاسخگو نبودن مطلق کودکان زیر ۱۸ سال نیست. نظام صلاحیتی دیوان مبتنی بر اصل «صلاحیت تکمیلی» است.^۳ این اصل بدان معناست که در مقابله با جرائم بین‌المللی در وهله نخست این دولت‌ها هستند که الزام و تعهد به اقدام دارند. بنابراین، مقابله با آن جرائم بین‌المللی که خارج از صلاحیت قانونی دیوان است، در حیطه تعهد و اختیار دولت‌ها باقی می‌ماند. فقدان صلاحیت دیوان در مورد کودکان، مانع قانونی برای اعمال صلاحیت دولت‌ها نسبت به جرائم ایشان نخواهد بود (Cryer & Hakan, 2014: 139). تحمل مسئولیت کیفری توسط کودکان محل اختلاف است. در شیپور بزه‌دیده‌مداری کودکان می‌دمند و برخی بر طبل پاسخگویی ایشان می‌کوبند. مهم‌ترین دلیلی که از سوی طرفداران فقدان مسئولیت کودکان اقامه شده است، نبود قوه ادراک در کودکان برای استحقاق مجازات داشتن و سرزنش‌پذیری است. در واقع این باور وجود دارد که عنصر معنوی نسبت به ارتکاب رفتارهای مجرمانه صادره از کودکان محقق نمی‌شود. اما در مقابل برخی مسئولیت کیفری کودکان را به دلیل اینکه کودکان بهره‌ای از قدرت تصمیم‌گیری و صلاحدید دارند، لازم می‌شمارند (Drumbl, 2012: 98). دیوان در تعیین مسئولیت کیفری در سطح ملی نوعی لایشروطی اتخاذ کرده است. دیوان خود کودکان زیر ۱۸ سال را مسئول قلمداد نمی‌کند، لیکن به صورت خاص و فراتر از تعهدات عام حقوق بشری موجود مانعی هم برای دولت‌های عضو در تعقیب کودکان مقرر نکرده است. شبیه این مسئله را برای نمونه در مجازات اعدام می‌توان دید. دیوان خود به اعدام اقبالی نداشته و آن را بر مسند قبول نشانده است. لیکن ماده ۸۰ اساسنامه تصریح می‌کند که نظام مجازات‌های دیوان به هیچ عنوان نافی مجازات‌های مقرر در ناظم حقوق داخلی کشورهای عضو نخواهد بود.

۲. دوگانه بزه‌کار-بزه‌دیده

هرچند کودکان در دیوان پاسخگوی اعمال مجرمانه خود نیستند، لیکن اگر ایشان با عبور از دوران کودکی به جنایت‌های خود ادامه بدهند، مانعی در مسیر پاسخگویی ایشان در دیوان وجود

1. Juvenile Offender.

۲. بند ۳ ماده ۷ اساسنامه «دادگاه ویژه».

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص اصل تکمیلی بودن ر.ک:

Seils, Paul, Handbook on Complementarity: An Introduction to the Role of National Courts and the ICC in Prosecuting International Crimes, International Center for Transitional Justice, 2016.

نخواهد شد. با این حال پیشینهٔ کودکی بزه‌کار می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مخففه جرم در نظر گرفته شود. نمونهٔ بارز این وضعیت در دیوان مسئلهٔ کودک سربازی است. کودک سربازان بزه‌دیدگانی هستند که کودکی‌شان قربانی جنگ‌افروزی بزرگسالان شده است. اما در عین حال یافته‌های بیرونی و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که کودک سربازان خود مرتکب جنایت‌های هولناکی نیز می‌شوند (Stahn, 2019: 314). در برابر چنین وضعیتی یک دوراهی ایجاد می‌شود؛ محاکمهٔ بزه‌کاری که خود در کودکی بزه‌دیده بوده یا چشم بستن بر بزه پیشگی دوران بزرگسالی در پرتو کودکی از دست رفته است. راهی که دیوان در مواجهه با این دوراهی برگزیده است، از یک سو عدم مسئولیت کیفری کودک سربازان نسبت به جرائم ارتکاب‌یافته تا آستانهٔ ۱۸ سالگی است. «اصول و دستورالعمل راجع به کودکان مرتبط با نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح»^۱ موسوم به «اصول پاریس» نیز همین رویکرد را برگزیده است. براساس اصول پاریس کودک سربازانی که مرتکب بزه می‌شوند، باید «به‌عنوان قربانی جرائم علیه حقوق بین‌الملل قلمداد شوند و نه تنها به‌عنوان بزه‌کار» (Paris Principles, 2007: 3.6). از سوی دیگر، دیوان مسئولیت کیفری نسبت به رفتارهایی که بعد از رسیدن به آستانهٔ سن مسئولیت ادامه‌یافته را مورد پذیرش قرار داده است. در این وضعیت مرتکب تا ۱۸ سالگی فاقد مسئولیت است، اما بعد از آن پاسخگوی اعمال خود خواهد بود و استناد به اینکه خود در دوران کودکی قربانی بوده است، رافع مسئولیت وی نخواهد شد. در فرایند رسیدگی به پروندهٔ «دومینیک اونگون»^۲ در دیوان وضعیت دوگانهٔ متهم یعنی بزه‌کار و بزه‌دیده بودن وی مورد چالش واقع شد. «اونگون» اگرچه به‌عنوان یک مقام ارشد نظامی در گروه «ارتش مقاومت خدا»^۳ متهم به ارتکاب جرائم جنگی و از آن جمله کودک سربازی شده بود، خود پیشتر در زمان کودکی‌اش مورد ربایش واقع شده و به‌اجبار به عضویت این گروه مسلح سازمان‌یافته درآمده بود (Talbert & Wolfendale, 2018). همین سابقه موجب شد که وکلای متهم پیش از آغاز دادرسی صلاحیت دیوان را به چالش بکشند و خواستار رد پروندهٔ اونگون در دیوان شوند. استدلال وکلا آن بود که موکل ایشان به‌عنوان یک کودک سرباز سابق باید مشمول حمایت‌های ناظر بر کودکان و از آن جمله عدم مسئولیت کیفری فردی باشد. اما شعبهٔ پیش‌دادرسی رسیدگی‌کننده به پروندهٔ اونگون با بیان اینکه این ادعا هیچ مبنای حقوقی ندارد، اعتراض وکلا را رد کرد (ICC, PTC II, 2016: 150). بنابر اساسنامهٔ رم، جرائمی که کودک سربازان مرتکب می‌شوند، تا زمان رسیدن به آستانهٔ ۱۸ سالگی خارج از صلاحیت دیوان است. اما «اونگون» پس از ۱۸ سالگی نیز در ارتش مقاومت خدا باقی مانده و به رفتارهای مجرمانه خود ادامه داده بود. از این رو، رفتارهای مجرمانه بعد از ۱۸ سالگی وی قابل تعقیب قلمداد شد. در آغاز

1. Principles and Guidelines on Children Associated with Armed Forces or Armed Groups (The Paris Principles).

2. Dominic Ongwen.

3. Lord's Resistance Army (LRA).

«جلسه تأیید اتهامات» اونگون، دادستان دیوان سابقه ر بوده شدن و به کارگیری متهم در ارتش مقاومت خدا را مورد اشاره و پذیرش قرار داد. با این حال، خانم دادستان این شرایط را تنها به عنوان عامل مخففة احتمالی هنگام تعیین مجازات و در فرض محکومیت اونگون و نه به عنوان مانعی در پاسخگویی او دخیل دانست (ICC, OTP, 2016). اکنون می‌بایست به انتظار نشست تا مشخص شود دادرسان دیوان در صورت محکومیت اونگون تا چه حد سابقه بزه دیده بودن وی در دوران کودکی را در تعیین مجازاتش دخیل می‌دانند. بند ۱ ماده ۷۸ اساسنامه رم به صراحت شرایط فردی متهم را از عوامل دخیل در تعیین مجازات می‌داند. از این حیث، پیشینه کودکی و بزه‌دیدگی سابق می‌تواند در تعیین مجازات و فرو کاستن از آن مؤثر افتد که خود باز نوعی سیاست و رویکرد حمایتی نسبت به کودکان و پذیرش بزه‌دیدگی ایشان محسوب خواهد شد.

نتیجه گیری

میلیون‌ها کودک در دوران معاصر به طرق مختلف قربانی جرائم بین‌المللی به خصوص در زمینه و زمانه مخاصمات مسلحانه بوده‌اند. مطیع بودن و کم‌هزینه بودن کودکان جنگجویان و جنگ‌افروزان را تشویق کرده است که کودکان را به مثابه سلاح ارزان قیمت جنگی در مخاصمات داخلی و بین‌المللی به کار گیرند. این در حالی است که جای کودکان زمین بازی و نه زمین جنگ است.

حمایت کیفری از کودکان از جمله هنجارهایی است که از زمان تحت تعقیب واقع شدن اولین پرونده در دیوان مورد توجه دادستانی این نهاد بوده است. دیوان آموزه‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در مورد کودکان را ضمانت اجرای کیفری بخشیده و بر نقض‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه جامه جرم و مجازات پوشانده است. در پایان بخشیدن به فرهنگ «بی‌کیفرمانی» مرتکبان جرائم علیه کودکان دیوان تعقیب این جرائم و حمایت از کودکان قربانی را در اولویت تعقیب خود قرار داده است. تحقق عدالت برای کودکان، البته، چیزی بیشتر از به مجازات سپردن مرتکبان جرائم علیه ایشان است و در بردارنده تلاش برای جبران خسارت ایشان و بازگرداندن ایشان به جامعه نیز است. اما این بدان معنا نیست که طراحان، آمران و مباشرانی که با استفاده کردن از کودکان در مخاصمه دنیای کودکی ایشان را خراب کرده‌اند، از مجازات رها بمانند.

یکی از کارکردها و رسالت‌های دیوان کیفری بین‌المللی کارکرد بیانی و رسالت هنجارسازی است. دیوان کیفری بین‌المللی در به عدالت سپردن آنان که کودکی کودکان را نشانه رفته‌اند، جدیت دارد. این جدیت در راستای گفتمان‌سازی و هنجارسازی‌های جهانی با هدف جهانی کردن حمایت کیفری از حقوق کودکان است. دولت‌ها چه آنان که به عضویت این نهاد درآمده‌اند و چه آنان که به این جرگه نپیوسته‌اند، در پرتو هنجارسازی‌های دیوان باید نظام حقوق داخلی خود را حقوق کودک‌مدار کنند. نظام حقوقی ایران نیز از عمومیت این گزاره

مستثنا نیست. جرائم بین‌المللی در سیاهه جرائم به رسمیت شناخته‌شده در قوانین کیفری ایران وارد نشده‌اند. از میان ده‌ها رفتار سازنده جرائم جنگی تنها معدودی به‌عنوان رفتارهای مجرمانه یا متخلفانه موجب اقدامات تنبیهی نظامی تعریف شده‌اند. این خلأ آشکار باید رفع شود. در پرتو آنچه در این نوشتار گفته شد، در جرم‌انگاری جرائم بین‌المللی باید توجه ویژه‌ای به جرائم علیه اطفال به‌خصوص در زمان جنگ صورت گیرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بانتاکس، ایلپاس (۱۳۹۷)، «جرم‌شناسی میان‌رشته‌ای حقوق بین‌المللی کیفری»، در *رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه جنت مکان، حسین آقائی و کردعلیوند، تهران: میزان.

ب) مقالات

۲. ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۹۷)، نظریه «تعقیب موضوعی» به‌عنوان معیار سنجش شدت و اهمیت موضوع قابل تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران*.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Arnold, Roberta, and Wehrenberg, Stefa (2016), "Article 8: War Crimes", in Triffterer, Otto and Ambos, *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, pp: 503-518.
2. ??? (In Persian).
3. Cottier, Michael and Grignon, Julia (2016), "Article 8: War Crimes", in Triffterer, Otto and Ambos, *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, pp. 519-527.
4. Cryer, Robert and Friman, Hakan, and Robinson, Darry (2014), *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press, Third Edition.
5. Drumble, Mark (2012), *Reimagining Child Soldiers*, Oxford University Press.
6. Grover, Sonja (2012), *Child Soldiers Victims of Genocidal Forcible Transfer*, Springer.
7. McBride, Julie (2014), *The War Crime of Child Soldier Recruitment*, Springer.

8. Schabas, William (2011), *An Introduction to International Criminal Court*, Cambridge University Press.
9. Schabas, William A. (2016), *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*, Oxford University Press.
10. Stahn, Carstem (2019), *A Critical Introduction to International Criminal Law*, Cambridge University Press.

B) Articles

11. Bantekas Ilias (ed.) (2019) "Introduction: an
12. Interdisciplinary Criminology of International Criminal
13. Law" in *Criminological Approached to International Criminal Law*, Mizan Legal Foundation, pp.15-42.(in Persian)
14. Graf, Roman (2012), "The International Criminal Court and Child Soldiers: An Appraisal of the Lubanga Judgment", *Journal of International Criminal Justice*, pp. 945-969.
15. Moran, Clare Frances (2014), "Human Trafficking and the Rome Statute the International Criminal Court", *The Age of Human Rights Journal*, pp. 32-45.
16. Plattner, Denise (1984), "Protection of Children in International Humanitarian Law", *International Review of the Red Cross*, pp. 140-152.
17. Rodenhauer, Tilma (2016), "Squaring the Circle? Prosecution Sexual Violence against Child Soldiers by their Own Forces", *Journal of International Criminal Justice*, pp. 171-193.
18. Sivakumaran, Sandesh (2010), "War crimes before the Special Court for Sierra Leon", *Journal of International Criminal Justice*, pp. 1009-1034.
19. Smeulers, Alette and Maartje Weerdesteijn (2015), "The Selection of Situations by the ICC: An Empirically Based Evaluation of the OTP's Performance", *International Criminal Law Review*, pp. 1-39.
20. Smith, Alison (2004), "Child Recruitment and the Special Court for Sierra Leon", *Journal of International Criminal Justice*, pp. 1141-1153.
21. Talbert, Matthew & Wolfendale, Jessica (2018), "The Moral Responsibility of Child Soldiers and the Case of Dominic Ongwen", 5 March 2018, Available at: <http://stockholmcentre.org/the-moral-responsibility-of-child-soldiers-and-the-case-of-dominic-ongwen/>.
22. Zakerhosssein, Mohamad Hadi (2018), "Thematic Prosecution Doctrine as a Factor in the Gravity Assessment at the International Criminal Court", *Criminal Law and Criminology Studies*, pp 85-106 (In Persian).

C) Documents

23. Human Rights Watch (2003), *Ituri: Covered in Blood: Ethnically Targeted Violence in Northeastern DR Congo*.
24. ICC, OTP (2018), *Report on Preliminary Examination Activities*.
25. ICC, OTP (June 2014), *Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes*.
26. ICC, OTP (November 2015), *Strategic Plan (2016-2018)*.

27. United Nations (2011), Justice and Children During and in the Aftermath of Armed Conflict.
28. United Nations (2013), The Six Grave Violations against Children during Armed Conflict: Legal Foundation.
29. United Nations (2014), Guidelines Monitoring and Reporting Mechanism on Grave Violations against Children in Situations of Armed Conflict.

D) Cases

30. ICTR (29 September 1998), Trial Chamber I, Jean-Paul Akayesu case, Judgment.
31. ICTR (6 December 1999), Trial Chamber I, Rutaganda case, Judgment and Sentence.
32. ICTY (26 February 2001), Trial Chamber, Kordic case, Judgment.
33. SCSL (31 March 2004), Appeals Chamber, Norman Case.
34. SCSL (28 May 2008), Appeals Chamber, Fofana and Kondewa case.
35. ICC (March, 2010), Trial Chamber, Lubanga case.
36. ICC, (14 March 2012), Trial Chamber, Lubanga case, Judgment pursuant to Article 74 of the Statute.
37. SCSL (18 May 2012), Trial Chamber II, Taylor Case.
38. Benito (10 July 2012), Trial Chamber I, Lubanga case, Separate and Dissenting Opinion of Judge Odio Benito.
39. ICC (13 July 2012), Trial Chamber I, Decision on Sentence pursuant to Article 86 of the Statute, Lubanga case.
40. ICC, OTP (10 January 2014), Document Containing the Charges, Annex B.
41. ICC (June 2014), Decision Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute on the Charges of the Prosecutor Against Bosco Ntaganda
42. ICC (1 December 2014), Appeals Chamber, Lubanga case, Judgment on the appeal of Mr Thomas Lubanga Dyilo against his conviction.
43. ICJ (3 February 2015), Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia).
44. ICC (3 March 2015), Appeals Chamber, Judgment on the Appeals against the “Decision Establishing the Principles and Procedures to be Applied to Reparations” of 7 August 2012 with Amended Order for Reparations.
45. ICC (23 March 2016), PTC II, Dominic Ongwen case, Decision on the confirmation of charges against Ongwen.
46. ICC, OTP (6 December 2016), Fatou Bensouda, Statement at the Opening of Trial in the Case against Ongwen.
47. ICC (15 June 2017), Appeals Chamber, Ntaganda Case, Judgment on the appeal of Mr Ntaganda against the “Second decision on the Defence’s challenge to the jurisdiction of the Court in respect of Counts 6 and 9”
48. ICC (December 2017, Press Release: Lubanga case: Trial Chamber II Issues Additional Decision on Reparations.
49. ICC (8 July 2019), Trial Chamber VI, Ntaganda case, Judgment.